



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِحَمْدِ اللَّهِ الَّذِي هَذَا يَوْمٌ نَبِيٌّ كَثَبَتْ بِهِ بَنُو آدَمَ
 كِبَارِ اللَّعِينِ ابْنِ اللَّعِينِ عَلَى السَّانِدِ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى
 بِهِ وَاللَّهُ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَّ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ الْعَنَ أَبَاسُفِيَانَ وَمُعَوِيَةَ وَزَيْدَ بَرْمَكِيَةَ وَمُعَوِيَةَ عَائِشَةَ
 وَهَذَا يَوْمٌ نَبِيٌّ كَثَبَتْ بِهِ بَنُو آدَمَ
 فَرِهَنْگِ لَعْنِ دَرِ زِيَارَتِ نَامَةِ عَاشُورَا
 اَز مَنظَرِ قُرْآنِ کَرِيمِ

فضلنامه قرآنی کوثر - شی ۱۵

مدخل

نگارنده در نوشتاری با عنوان لعن در زیارت نامه عاشورا از نگاه قرآن (۱) به طرح یکی از شبهات پیرامون لعن‌های زیارتنامه عاشورا و پاسخ آن از منظر قرآن پرداختم. در آن مقاله، به مناسبت موضوع سند زیارتنامه عاشورا، معنای واژه لعن در زبان عربی و در قرآن و سرانجام لاعنان از نگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد کسی که به لعن می‌پردازد مشروط بر آنکه کسانی را که لعن می‌کند مصادیق قطعی و بارز ملعونین از نگاه قرآن باشند نه تنها لعن او را با روح تعالیم قرآن منافات ندارد بلکه چنین فردی کار خدا و پیامبران و اولیاء الهی را انجام داده است. بر این مبنا در این نوشتار به بررسی ملعونین در قرآن و سپس در زیارتنامه عاشورا از منظر قرآن می‌پردازیم تا روشن شود چگونه لعن‌های زیارتنامه عاشورا به مصادیق بارز ملعونین در قرآن تعلق گرفته است.

لعن شدگان در قرآن

پیش از آنکه لعن شدگان را در زیارتنامه عاشورا مورد بررسی قرار دهیم، به معرفی اصناف و افرادی که در قرآن لعن شده‌اند می‌پردازیم. با بررسی آیات لعن در قرآن، در می‌یابیم که ۱۸ گروه یا فرد در قرآن لعن شده‌اند. البته برخی از این اصناف و افراد در اصناف دیگر جای می‌گیرند اما برای آنکه تصویری روشن از لعن شدگان در قرآن پیدا کنیم تمامی این اصناف و افراد را به صورت جداگانه، بیان می‌کنیم.

۱- یهودیان: قوم یهود که به نص قرآن قوم برگزیده خداوند بودند (۲) به سبب کفرشان و دیگر افکار و اعمال ناشایسته ایشان در آیات زیر مورد لعن الهی قرار گرفته‌اند.

۱- رک. فصل نامه قرآنی کوثر/شماره پنجم/ص ۱۹-۱۱
 ۲- خداوند در سوره بقره آیه ۴۷ و ۱۲۳ در باره قوم یهود می‌فرماید: انی فضلکم علی العالمین یعنی من شما را بر همه مردمان زمان فرعون برتری دادم و این درس بزرگی است که هر فرد یا گروهی به هر مرتبه‌ای از کمال و فضل و یا قرب الهی برسد نماز باطن امکان سقوط و در نتیجه گرفتار لعن و غضب الهی شدن برای آن فرد یا گروه هست و این هشدار است برای جامعه شیعی و انقلاب کرده ما

۱-۱- آیه ۸۸ سوره بقره: «بل لعنهم بکفرهم»، خداوند آنها را به سبب کفر و رزیشان لعن نمود.

۱-۲- آیه ۴۶ سوره نساء: «لکن لعنهم الله بکفرهم»، لکن خدا آنان را به سبب کفرشان لعن نمود.

۱-۳- آیه ۸۹ سوره بقره: «فلعنة الله على الكافرين» لعنت خدا بر کافران باد. که مراد از کافران در این آیه، به دلیل صدر آیه، یهودیانی است که کفر ورزیدند.

۱-۴- آیه ۱۳ سوره مائده: «فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم»، که به خاطر آنکه پیمانشان را شکستند آنها را لعن کردیم.

۱-۵- آیه ۶۰ مائده: «قل هل انبئکم بشر من ذلك مثویه عند الله؟ من لعنة الله و غضب علیه و جعل منهم القرده و الخنازیر و عبد الطاغوت اولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل»: [ای پیامبر ما! به اهل کتاب] بگو آیا شما را به بدتر از این کیفر [یعنی حکم به فاسق بودن بیشتر اهل کتاب] از نظر خدا خبر دهم؟ آنان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک خلق کرده است؟ همانانکه طاغوت را پرستش کرده اند، آنان، بد جایگاه ترین و گمراه ترین [موجودات] از راه راست هستند

۱-۶- آیه ۶۴ سوره مائده: «و قالت اليهود بد الله مغلوله، غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطان، ینفق کیف یشاء»: یهودیان گفتند دست خدا بسته است، دستانشان بسته باد! و به سزای آنچه گفتند از رحمت خدا دور باشند! چنین نیست، دستان خدا باز است و هر گونه بخواهد بخشش می کند.

۱-۷- آیه ۷۸ سوره ی مائده: «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی بن مریم، ذلك بما عصوا و كانوا یعتدون» کسانی که از میان بنی اسرائیل کافر شدند با زبان داوود و عیسی لعن شدند این لعن به خاطر آن بود که معصیت نمودند و به حق دیگران تجاوز نمودند.

همانگونه که می بینیم یهود در آیات ۱ تا ۳ به دلیل کفرشان و در آیات ردیف ۴ و ۵ و ۷ به دلیل رفتارهای ناشایسته ایشان (نقض پیمان، فسق و عصیان و تجاوز کاری) و در آیه ردیف ۶ به دلیل اندیشه نادرستشان درباره خدا، دچار لعن الهی شدند.

۲- کتمان کنندگان ادله روشن و هدایتی که از جانب خدا فرو فرستاده شده است:



خداوند در آیه ۱۵۹ بقره می‌فرماید: "ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم الاعنون" کسانی که نشانه‌های روشن خدا و هدایت الهی را آن‌هم بعد از اینکه در کتاب برای مردم تبیین کردیم کتمان و پوشیده، می‌دارند، اینان را هم خدا لعن می‌کند و هم لعن کنندگان.

۳- کسانی که به دروغ ادعای برحق بودن می‌کنند:

در آیه ۶۱ سوره آل عمران که به بیان داستان مباحله پرداخته شده است خداوند پس از آنکه به پیامبر می‌فرماید با نصاری مباحله کند سه دستورالعمل برای انجام مباحله به پیامبر می‌دهد:

- ۱- دعوت از پسران و زنان و خویشان نزدیک هر طرف برای مباحله
- ۲- مباحله ۳- نثار لعنت خدا بر آنکه به دروغ ادعای برحق بودن دارد: "الحق من ربک فلا تکن من الممترین فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین"، حق [آنچه پیرامون عیسی علیه السلام بیان شد] از جانب پروردگار توست پس از تردید کنندگان نباش، بنابر این به هرکه در این باره آنهم پس از دانشی که در این باره به تو رسید، استدلال و جدال کند بگو بیائید ما پسرانمان و شما پسرانتان را، ما زنانمان و شما زنانتان و خویشان و نزدیکانتان را فرا خوانده سپس مباحله کنیم و لعن الهی را نثار دروغگویان کنیم.

۴- کسانی که بعد از ایمان آوردن و شهادت دادن به حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله و اتمام حجت بر آنان، کافر شوند.

در آیه ۸۷ سوره آل عمران می‌خوانیم: "کیف یهدی الله قوماً کفروا بعد ایمانهم و شهدوا ان الرسول حق و جاءهم البینات، والله لا یهدی القوم الظالمین" چگونه خداوند، گروهی را که بعد از ایمان آوردن و شهادت به حقانیت پیامبر و اتمام حجت هدایت کند. آنگاه در آیه بعد می‌فرماید: "اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله والملئکه والناس اجمعین، خالدین فیها، لا یخفف عنهم العذاب...". اینان سزایشان این است که لعنت خداوند و همه فرشتگان و مردم از آن ایشان است و در این لعنت جاودانه اند.

۵- اصحاب سبب یا کسانی که از دستورات پیامبر با حیل‌های شرعی تخلف کنند.



داستان اصحاب سبت در آیات ۶۵ بقره، ۴۷ و ۱۵۴ نساء، ۱۶۳ اعراف و ۱۲۴ محل آمده است. با توجه به آیات مذکور و روایات وارده در این باره در می یابیم اصحاب سبت برخی از قوم یهود بودند که با حیل‌های شرعی از دستورات خداوند سرپیچی میکردند و خداوند در سوره نساء آیه ۴۷ با عبارت کما لعنا اصحاب السبت به ملعون بودن آنان تصریح می نماید.

۶- هر کس از اهل کتاب که به قرآن ایمان نیاورد. خداوند در سوره نساء خطاب به اهل کتاب می فرماید: "یا ایها الذین اوتوا لکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم من قبل ان نظمس وجوهاً فتردها علی ادبارها او نلعنهم کما لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولاً".

ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شده است! پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و وارونه سازیم یا همچنانکه اصحاب سبت را لعن کردیم آنان را لعن کنیم به آنچه فرو فرستادیم و تأیید کننده همان چیزی است که نزد شما است، ایمان آورید.

و در ادامه در آیه ۵۱ می فرماید: آیا کسانی را که بهره ای از کتاب آسمانی بدان داده شد ندیدی که به جبت و طاغوت ایمان می آورند و درباره کسانی که کفر ورزیده‌اند می گویند اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت یافته ترند.

آنگاه در آیه ۵۲ می فرماید: اینان همان کسانی اند که خداوند لعنشان کرده است از تأمل در آیه ۴۷ و ۵۱ در می یابیم که ارتباط معناداری میان این دو آیه وجود دارد.

۷- کسی که مؤمنی را به صورت عمدی به قتل رساند خداوند در سوره نساء آیه ۹۳ می فرماید: "ومن یقتل مؤمناً معتمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه واعدله عذاباً الیماً". هر کس مؤمنی را عمداً بکشد کیفرش دوزخ است. در آنجا ماندگار خواهد بود و خداوند بر او خشم میگیرد و لعنش می کند و عذابی دردناک برای او آماده می سازد.

۸- ابلیس

در آیه ۱۱۸ سوره نساء با عبارت "لعنة الله" و در آیه ۳۴ سوره حجر با جمله و "ان عليك اللعنه الی یوم الدین" و در سوره احزاب آیه ۷۸ با جمله "و ان عليك لعنتی الی یوم الدین" مورد لعن واقع شده است.



۹- کسانی که با تفکر نادرست خود به مردم ستم می‌کنند

خداوند در سوره هود آیه ۱۹-۱۸ می‌فرماید: "الا لعنته الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً و هم بالآخره هم کافرون" هان مردم! لعنت خدا بر آن ستمگرانی است که مردم را از راه خدا باز میدارند و در صدد آن هستند که آن را کج نشان دهند و به آخرت اعتقاد ندارند. این آیه در سوره اعراف آیه ۱۴۴ درست با همین عبارت از زبان مؤذنی که در قیامت میان بهشتیان و جهنمیان ندا در می‌دهد آمده است: "فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ انْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الظالمین الذین..."

و چنانکه در مقاله پیشین آوردیم بنا بر روایات و تحلیل علامه طباطبائی از این روایات، این مؤذن، حضرت علی علیه السلام است که سخن او در آن جهان، درست سخن خدا در این جهان است.

۱۰- مشرکان و کافران و منافقان

در سه سوره از قرآن به صراحت مشرکان، کافران و منافقان لعن شده‌اند. توبه، ۶۸. محمد صلی الله علیه و آله، ۲۳-۲۰ و فتح، ۶.

۱۱- قوم عاد و فرعون به دلیل پیروی از رهبران ستمکار خود

در سوره هود آیه ۶۰-۵۹ می‌خوانیم: "و تلک عاد حجدوا بآیات ربهم و عصوا رسله و اتبعوا امر کل جبار عنید و اتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیامه" و این قوم عادند که آیات پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانشان را نافرمانی کردند و به دنبال فرمان هر فرمانروای زورگوی ستیزه‌جو رفتند و [در نتیجه] در این دنیا و در روز قیامت لعنت بدرقه آنان گردید و در مورد قوم فرعون در همین سوره، آیه ۹۸-۹۶ می‌فرماید:

"و لقد ارسلنا موسی بآیاتنا و سلطان مبین الی فرعون و ملائمه فاتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون یرشید، یقدم قومه یوم القیامه فاورد هم النار و یئس الورد المورود و اتبعوا فی هذه الدنیا لعنه و یوم القیامه و یئس الورد المرفد".

موسی را با رهنمودها و معجزه‌های آشکار به سوی فرعون و قوم او فرستادیم ولی آنان از فرمان فرعون که فرمانی غیر عاقلانه بود پیروی کردند [لذا] روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش در می‌افکند. آری آتش! و ه که چه ورودگاه بدی است! در این دنیا و در

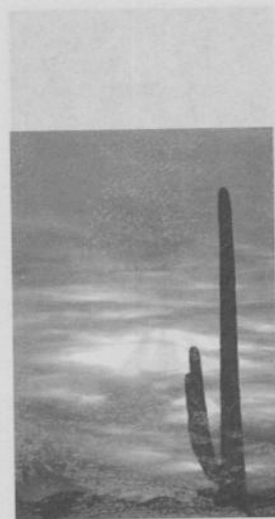


روز قیامت لعنت بدرقه آنان گردید و چه بد عطائی نصیب آنان می شود. از تأمل در این آیات در می یابیم که علت ملعون شدن قوم عاد و فرعون عدم تبعیت از پیامبران الهی و تبعیت از دستورات ظالمانه و سفیهانه رهبران خود بوده است: "و اتبعوا امر کل جبار عنید و اتبعوا فی هذه الدنیا و یوم القیامه لعنه. و اتبعوا امر فرعون و ما امر فرعون برشید... و اتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیامه" و نکته دیگر در مورد چنین مردمی آنکه اینان نه تنها در آخرت دچار لعن الهی میشوند بلکه در این دنیا نیز به نوعی، دچار لعن و دوری از رحمت خدا میشوند که این نکته با عبارت "و اتبعوا فی هذا الدنیا لعنه" در هر دو مورد بیان شده است.

۱۲- نقض کنندگان پیمان خدا، قاطعان پیوندهای الهی و مفسدان در زمین: در سوره رعد آیه ۲۵ می خوانیم "والذین ینقضون عهدالله من بعد ميثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنه و لهم سوء الدار"، آنانکه پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکندند و آن چه را خداوند امر به پیوند با آن داده است قطع می کنند و در زمین فساد ایجاد می کنند، لعنت و سرای بد از آن ایشان است. در تفاسیر، "و یقطعون ما امر الله به ان یوصل" به کسانی که قطع رحم می کنند تفسیر شده است. بی شک این تفسیر یکی از مصادیق چیزهایی است که خداوند امر به پیوند با آن نموده است و این جمله شامل مصادیق دیگری که خداوند امر با پیوند با آن نموده نیز می شود همانند پیوند با اهل بیت پیامبر علیهم السلام البته در سوره محمد ص، آیه ۲۲ قطع رحم یکی از ویژگیهای منافق یا کسانی که در دلشان بیماری است دانسته شده است، آنجا که می فرماید: "فهل عسیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم و اعمی ابصارهم". آیا امید دارید که چون از خدا برگشتید در زمین فساد کنید و از خویشان خود بگسلید. اینان همان کسانی هستند که خدا آنان را لعنت نموده و کورشان ساخته است؟

۱۳- شجره ی ملعونه در قرآن:

خداوند در سوره اسراء آیه ۶۰ می فرماید: "و ما جعلنا الرؤیا التي اریناک الا فتنه للناس و الشجره الملعونه فی القرآن"، آن رؤیائی که که به تو نشان دادیم و آن شجره ملعونه را در قرآن جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم



علامه طباطبائی در تفسیر خود، هم با استناد به روایات و هم تحلیلی مستدل ثابت می‌کند که مراد از شجره ملعونه بنی امیه هستند (۳)

۱۴- مردی که به همسرش تهمت زنا بزند:

در سوره نور آیه هفتم درباره مردانی که نسبت زنا به همسران خود میدهند و شاهدی بر اثبات مدعای خود ندارند حکم می‌فرماید که چنین فردی چهار بار سوگند خورد که در ادعای خود راست می‌گوید و در نوبت پنجم بگوید که لعنت خدا بر او باشد اگر در ادعای خود دروغ می‌گوید: "والخامسه ان لعنت الله علیه ان كان من الكاذبين" بدهی است این حکم که از جانب خداست در صورت دروغ بودن شوهر صرفاً یک نفرین نیست بلکه با جاری شدن این عبارت چنین همسر دروغگوئی لعنت خدا گریبانگیر او می‌شود.

۱۵- کسی که به زنان پاکدامن تهمت زنا بزند:

باز در سوره نور آیه ۲۳ می‌فرماید: "ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخره ولهم عذاب اليم" قطعاً کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر و با ایمان نسبت زنا می‌دهند هم در دنیا و هم در آخرت ملعون هستند و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود.

۱۶- کسانی که خدا و پیامبر را اذیت کنند.

در سوره احزاب آیه ۵۷ آمده است "ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخره" بی‌گمان کسانی که خدا و رسول او را آزار می‌دهند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعن خواهد نمود. انتساب اذیت به خدا در کنار انتساب اذیت به پیامبر، بیانگر این نکته است که اذیت رسول، اذیت فرد نیست بلکه تعرض به احکام و دستورات الهی است زیرا اذیت خدا مفهومی جز سرپیچی از فرامین خدا و احکام او نیست.

۱۷- ستمگران:

در سوره غافر آیه ۵۲ آمده است: "يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنه" روزی که عذر خواهی ستمگران سودی برای آنان ندارد و تنها مضیت آنان لعنت است.

۱۸- دوزخیان:

در آیه ۳۸ سوره اعراف آمده است: "... كلما دخلت امة لعنت اختها"، هر گاه گروهی به جهنم در آیند گروه تازه وارد گروه دیگر را لعن می‌کنند. نیز



۳- طباطبائی/محمدحسین/ترجمه المیزان / ج ۳/ص ۲۰۷-۱۸۸

در آیه ۶۸ سوره احزاب شکایت و نفرین جهنمیان از رهبران خود را بیان می‌کند و از زبان آنان نقل می‌کند که می‌گویند: "ربنا آتهم ضعفین من العذاب و العنهم لعناً کبیراً"، پروردگارا عذابی دو چندان به آنان ده و آنان را به لعنتی بزرگ گرفتار ساز.

تا اینجا به افراد و اصنافی که در قرآن لعن شده‌اند پرداختیم. اینک برآنیم تا کسانی را که در زیارت عاشورا لعن شده‌اند بررسی کنیم تا در یابیم آن ملعونین با کدام موارد از ملعونین در قرآن مطابقت می‌نمایند.

۸۵ لعن شدگان در زیارت عاشورا

در شش فقره از زیارت نامه عاشورا به لعن افراد یا گروههایی پرداخته شده است که در یک تقسیم بندی کلی این افراد و گروهها به دو دسته تقسیم می‌شوند.

- ۱- دسته اول لعن شدگانی که بنام آنها یا نام خاندان آنان تصریح شده است.
 - ۲- دسته دوم لعن شدگانی که بدون تصریح به آنان، صفات آنان ذکر شده است.
- لذا در ادامه به بررسی ملعونین در زیارت عاشورا با توجه به تقسیم بندی فوق و انطباق آن با ملعونین در قرآن می‌پردازیم.

گروه اول: لعن شدگانی که در زیارت عاشورا به نام آنها یا قبیله آنها تصریح شده است. چهار قبیله‌ی آل زیاد، آل مروان، بنی امیه و آل ابوسفیان و شش فرد به نام‌های: ابوسفیان، معاویه، یزید، عبیدالله بن زیاد یا ابن مرجانه، عمر بن سعد و شمر در زیارت نامه عاشورا به طور صریح در فقرات زیر مورد لعن قرار گرفته اند:

الف: "لعن الله آل زیاد و آل مروان و لعن الله بنی امیه قاطبه و لعن الله بن مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا"

ب: "اللهم ان هذا یوم تبرکت به بنو امیه و بن آکلها الاکباد، اللعین بن اللعین علی لسانک و لسان نبیک فی کل موطن و موقف وقف فیه نبیک ﷺ"

ج: "اللهم العن اباسفیان و معاویه و یزید بن معاویه علیهم منک اللعنه ابدالآبدین"

د: "هذا یوم فرحت به آل زیاد و آل مروان بقتلهم الحسین (صلوات الله علیه) اللهم فضعف علیهم اللعن منک"

هـ) "اللهم العن یزید خامسا و العن عبیدالله زیاد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان"



همچنان که در تاریخ آمده است آل ابوسفیان و آل مروان، شجره و فرزندان امیه هستند و اگر داستان برادر خواندن زیاد توسط معاویه بن ابی سفیان درست باشد (۴) که دلیلی قاطع بر نادرستی آن نیست آل زیاد نیز شاخه‌ای از بنی امیه هستند. یزید و معاویه و ابوسفیان نیز فرزندان امیه‌اند: یزید بن معاویه بن ابی سفیان بن حرب بن امیه. بنابر روایاتی که هم از عامه و هم از شیعه درباره آیه‌ی: "وما جعلنا الرویا التي اربناک الا فتنه للناس والشجره والملعونه فی القرآن" نقل شده است و با استناد به تحلیل موشکافانه‌ی علامه طباطبائی از آیه و روایات مذکور و روایات معارض آن، مراد از شجره‌ی ملعونه در این آیه، بنی امیه می‌باشد بنابراین لعن بر این افراد، لعن بر شجره و دودمانی است که قرآن آن را ملعون دانسته است.

علاوه بر این، خاندان بنی امیه و افراد مذکور به عنوان مصداق بارز کسانی که با آزار و قاتل و اسارت خاندان پیامبر موجب آزار و لذیت پیامبر شدند مصداق بارز کسانی هستند که در آیه‌ی "ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الآخرة" (احزاب، ۵۷) مورد لعن خدا قرار گرفته‌اند.

اما دلایل قرآنی لعن عمر بن سعد (فرمانده سپاه یزید و آمر قتل امام حسین علیه السلام) و شمر، قاتل امام حسین علیه السلام علاوه بر آیه ۵۷ سوره احزاب که در بالا بیان شد، این دو نفر به طور مسلم مصداق لعن در آیه "و من یقتل مؤمناً معتمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذاباً الیماً" (نساء/۹۳) می‌باشد زیرا کیست که نداند این دو آمر و قاتل امام حسین نبودند و کیست که حسین علیه السلام را بشناسد ولی او را حداقل مؤمن بالله قلمداد نکند؟ نیز با تأمل در آیات مربوط به لعن شدگان در قرآن در می‌یابیم که این افراد و اصناف به دلیل:

۱- ادعای دروغین در حقانیت (ردیف سوم از لعن شدگان)

۲- بازداشتن مردم از راه خدا (صدغن سبیل الله) و کج‌نشان دادن راه خدا و عدم اعتقاد به آخرت (۵) (ردیف پنجم از لعن شدگان) و نقض پیمان خدا و قطع پیوندهای الهی و فساد در زمین (ردیف دوازدهم) نیز مشمول لعن می‌شوند.



۴- رک. ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام/ج ۱/ص ۳۳۱

۵- عدم اعتقاد یزید شیعه او نیز آشکار شده بود آنجا که وی می‌گوید:

لصبت هاشم بالملک فلا

فیر ماء و لا یرى نزل

بنی هاشم حکومت را دستاریز خود قرار داد و گرنه خبری از عالم غیب آمده است و نه وحی نازل شده است.

گروه دوم: لعن شدگانی که با بیان صفاتشان و بدون تصریح بر نام‌هایشان در زیارت عاشورا لعن شده‌اند:

پنج گروه نیز بدون تصریح به نام آنان یا نام خاندانشان، در زیارت عاشورا به شرح زیر، لعن شده‌اند:

۱- کسانی که بنیاد ظلم و ستم را بر اهل بیت پیامبر ﷺ پیریزی کردند و آنان را از جایگاه خود دور ساخته و از مقامی که خداوند آنان را در آن مقام قرار داده بود کنار نهادند: "لعن الله امه اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن الله امه دفعتکم عن مقامکم و ازلتکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها"

۲- قاتلان اهل بیت (علیهم السلام) و کسانی که با اطاعت از قاتلان، زمینه ساز به شهادت رسیدن آنها شدند: "لعن الله امه قتلتکم و لعن الله الممهّدين لهم بالتمکین من قتالکم"

۳- مردانی که برای کشتن امام حسین (علیه السلام) اسبهای خود را زین کرده و بدان لجام زده و لباس کارزار پوشیدند: "لعن الله امه اسرجت و الجمت و تنقبت لقتالک" و با امام حسین جنگیدند و از کشتن او پیروی کرده و بر کشتن او بیعت نموده: "اللهم العن العصابه الّتی جاهدت الحسین و شایعت و بایعت و تابعت علی قتله"

۴- اولین کسانی که نسبت به حق محمد و آل او ﷺ ستم نمودند و دیگر کسانی که از او تبعیت نمودند: "اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک"

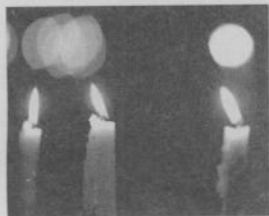
۵- اولین و دومین و سومین و چهارمین ستمگر: "اللهم خص انت اول ظالم باللّعن منی و ابدأ به اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع"

همانگونه که می‌بینیم در پنج گروهی که در عبارات فوق مورد لعن قرار گرفته‌اند به نام کسی اشاره نشده است تا دستاویزی برای کسانی باشد که می‌خواهند با استناد به ظاهر زیارت نامه عاشورا فتنه‌جویی کنند. لیکن باید دید آیا این اصناف با این صفات، از منظر قرآن جزو لعن شدگان هستند یا نه؟ اما قبل از این تطبیق لازم است به یک نکته قرآنی اشاره کنیم: خداوند متعال در آیه‌ی ۵۷ سوره فرقان می‌فرماید: "قل ما اسألكم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلاً، ای



پیامبر! بگو من پاداشی از شما پیروان خود برای رسالتم نمی‌خواهم
جز اینکه هر کسی راهی به سوی خدا در پیش گیرد.
و در آیه ۲۳ سوره شوری می‌فرماید: "قل لا اسألكم عليه اجرا الا الموده
فی القربى" (۶) ای پیامبر! بگو من برای رسالت از شما پاداشی
نمی‌خواهم به جز مودت و دوستی اهل بیتم.

از کنار هم قرار دادن این دو آیه این سؤال مطرح می‌شود که آیا مزد
رسالت پیامبر ﷺ دوستی اهل بیت است یا در پیش گرفتن راهی به
سوی خدا و یا هر دو کار مزد رسالت پیامبر ﷺ است؟ در پاسخ
می‌گوییم با توجه به اینکه در هر دو آیه از ادات حصر نفی و استثناء
استفاده شده است (۷) معلوم می‌گردد که بدون شک مودت اهل بیت
همان راه و سبیل خداست و راه خدا چیزی جز مودت و محبت اهل بیت
پیامبر نیست زیرا اگر قرار باشد به جز طریق محبت اهل بیت، راهی
برای رسیدن به خدا وجود داشته باشد، آوردن ادات حصر بر سر دو
جمله لغو و بیهوده می‌گردد. این سخن در مثال بدان می‌ماند که کسی
یکبار بگوید هیچ کس در خانه ما نیست مگر یک انسان و یکبار بگوید هیچ
کس در خانه ما نیست مگر علی. در این صورت علی همان انسان است
و انسان در خانه همان علی و چنانچه کسی مدعی شود انسان در خانه
شخصی جز علی است این سخن با توجه به شیوه بیان دو جمله با
کلمات (هیچ کس و مگر)، نادرست می‌باشد زیرا گوینده وجود
شخصی را در خانه با کلمات هیچ و مگر محصور و منحصر در یک نفر
ساخته است و چنانچه در خانه کسی جز علی وجود داشت می‌بایست
بگوید هیچ کس در خانه نیست مگر یک انسان و علی. پس مودت
اهل بیت ﷺ همان راه خداست: "فكانوا هم السبيل" راه خدا همان مودت
اهل بیت است و بدون شک مودت اهل بیت که تنها راه به سوی خدا
آنگاه محقق و میسر می‌شود که از اهل بیت تبعیت شود زیرا ظهور و
تجلی مودت در تبعیت و اطاعت می‌باشد چرا که ممکن نیست انسان به
کسی محبت و علاقه داشته باشد ولی از محبوب خود پیروی و تبعیت
ننماید و بدتر و زشت‌تر آنکه نسبت به کسی ادعای محبت کند ولی او را
مورد ظلم و ستم و آزار و اذیت قرار دهد.



۶- سوره فرقان از سوره مکی است و
سوره شوری نیز مکی است به جز چند
آیه آن از جمله آیه مودت و این بیانگر
نکته ظریفی است که در مکه که هنوز
پایه های اسلام تحکیم نشده بود مزد
رسالت در پیش گرفتن راهی به سوی
خدا معرفی می‌شود و در سوره شوری
که آیه مودت در آن آمده و در مدینه
نازل شده است یعنی پس از تحکیم
اسلام، مزد رسالت به طور روشن
مودت اهل بیت معرفی می‌شود.

۷- یعنی در هر دو آیه آمده است:
"ما اسألكم عليه من اجر ولا اسألكم
عليه اجرا" و سپس عدم درخواست
مزد با الا استثناء شده است که استفاده
از حروف اِبنزار نفی و سپس استثناء،
بیانگر اختصاص حکم به مستثنی
می‌باشد.

با این توضیح نتیجه می‌گیریم که:

الف- هر کس ۱- در برابر امام حسین علیه السلام و دیگر ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله بایستد. ۲- با آنان بجنگد. ۳- دشمنی کند. ۴- آنان را به شهادت برساند. ۵- زمینه ساز به شهادت رساندن آنان شود. ۶- راضی به چنین کاری گردد. ۷- این راهی را که به سوی خدا منتهی می‌شود بر مردم ببوشاند چنین کسانی در برابر راه خدا ایستاده‌اند و صد عن سبیل الله نموده‌اند و کسی که صد عن سبیل الله کند در قرآن مورد لعن قرار گرفته است.

ب- نیز چنین افرادی موجب آزار رسول خدا شده‌اند و کسی که رسول خدا را اذیت کند نیز به نص صریح قرآن مورد لعن خدا واقع می‌شود.

ج- همچنین کسی که این آیات روشن الهی و راه هدایت را که در قرآن نازل شده است کتمان کند به نص صریح قرآن مورد لعن خدا و لعن همه لاعنان قرار می‌گیرد:

"ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون"

پس کسی که بر چنین مردمانی با اوصاف مذکور لعن کند کاری خدایی کرده است.

اگر چه مفسران شأن نزول آیهی اخیر را در مورد یهود دانسته‌اند بدین صورت که آنان با آنکه نشانه‌های روشن پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب آنها آمده بود ولی پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار و نشانه‌های او را بر مردم کتمان می‌نمودند. اما همانگونه که مفسران از جمله فخر رازی (۸) نوشته‌اند. خصوص سبب موجب عدم شمول آیه بر مصادیق دیگر آن نمی‌شود. به بیانی ساده، اگر آیه‌ای در مورد خاصی نازل شد حکم آن آیه اختصاص بدان مورد خاص ندارد بلکه آن حکم شامل تمامی مصادیق آن حکم در همه زمان‌ها می‌شود.

د- روشن تر از آیهی اخیر در جواز لعن مردم بر اصناف پنج‌گانه‌ای که بدون ذکر نام در زیارت عاشورا مورد لعن قرار گرفته‌اند آیه‌ی ۸۸-۸۷ سوره آل عمران است: "كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم وشهدوا ان الرسول حق و جاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين خالدين فيها"





اصناف پنج گانه‌ی مذکور در زیارت عاشورا اظهار ایمان نمودند و به عنوان مؤمن، علیرغم آن‌همه دلایل روشن قرآنی و تصریحات پیامبر ﷺ با ظلم بر اهل بیت پیامبر ﷺ به پیامبر ﷺ ظلم نمودند و مصداق بارز ملعونین در این آیه شدند. انطباق آیات مربوط به ملعونین در قرآن بر ملعونین در زیارت عاشورا، به ویژه لعن شذگانی که با اوصاف مورد لعن واقع شده‌اند و نه با اسماء، روشن تر از آن است که نیاز به ذکر آیات دیگر باشد لذا سخن را با بیان این نکته به پایان می‌آوریم که در جایی که شیعه و اهل سنت بر پایه آیه "ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة" بر این مفهوم اتفاق نظر دارند که هر کسی پیامبر ﷺ را اذیت کند مورد لعن خداست چرا هم صدا با یکدیگر و بدون پرداختن به مصداق نگوییم: "اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک" و اگر در مصداق ملعونینی که در حق پیامبر و آل او ستم نمودند اختلاف نظر است در مفهوم که اتفاق نظر است و در جایی که در عباراتی ملعونین با صفات لعن شده‌اند و تصریحی به نام کسی نشده است چرا تعیین مصداق را به خداوند واگذاریم تا خداوند احکم الحاکمین خود لعن را به اهل آن بازگرداند؟ این شیوه لعن برگرفته از شیوه‌ی لعن در قرآن است: خداوند آنجا که در مصداق ملعونین میان لعن کنندگان اختلاف نظر است تعیین مصداق نمی‌کند لذا در داستان مباحله که قرار شد پیامبر ﷺ به دستور خداوند با مسیحیان نجران به مباحله و نفرین یکدیگر بپردازند خداوند دستور نداد لعن را نثار یکدیگر کنند بلکه فرمود لعنت را نثار کسی کنند که در ادعای حقانیت خود دروغ می‌گوید: "فنجعل لعنت الله علی الکاذبین" تا اینجا طی دو نوشتار به بررسی دو شبهه پیرامون لعنت در زیارت عاشورا پرداختیم. به خواست خداوند متعال در مقالی دیگر به دو شبهه‌ی دیگر می‌پردازیم.

